

شرف الدین علی طراد الزینبی الهاشمی، راه را برای نفوذ در دربار و بسط تشیع، هموار کرد.

این پژوهش، سعی در روشن کردن بخشی از تاریخ سیاسی تشیع و نیز معرفی وزیران قدرتمند شیعه از دوران خلافت القائم بامرالله تا الناصرلین الله عباسی (۴۲۲-۵۷۵ هـ.ق) است. و درصدد است که برای این سوالها، پاسخهایی احتمالی ارائه دهد:

۱- وزیران شیعی چگونه توانستند وارد دستگاه خلافت عباسی شده و تا مناصب بالای حکومتی نفوذ کنند و مستقیم و غیر مستقیم اظهار تشیع کنند؟ ۲- تدبیر و توان سیاسی شیعیان چه تاثیری بر ایجاد زمینه مناسب برای فعالیت‌های اداری آنها فراهم آورد؟

۳- گرایش بعضی خلفای عباسی به تشیع (مستقیم و یا غیرمستقیم) تا چه اندازه در حضور اداری وزیران شیعی موثر بود؟

**کلید واژگان:** عصر چهارم خلافت عباسی، وزیران قدرتمند شیعه، ابوالمعالی هبه‌الله بغدادی، انوشروان کاشانی، ابوالقاسم شرف الدین علی طراد الزینبی الهاشمی.

The Powerful Ministers of Shiah from the  
Caliphate Period of Al Ghaem Be  
Amrel`lah to Al Nasser el Din Allah  
Abbasi (422-575A.D)

*Mohammad Baghestani Kozehgar*  
Assistant Professor of Islamic Science and  
Culture, Mashad  
*Sara Zamani Ranjbar Garmroudi*  
Ph.D Student in Department of History,  
Payame Noor University, Qeshm

#### Abstract

Since Shiites have been included in the most important majorities of the society- among Muslims- , they have posed themselves in different ways in the political, social and cultural issues. In addition, they have made political and cultural currents in some interval of times.

## وزیران قدرتمند شیعه از دوران خلافت

### القائم بامرالله تا الناصرلین الله

عباسی (۴۲۲-۵۷۵ هـ.ق)

محمد باغستانی کوزه‌گر<sup>۱</sup>

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (مشهد)

سارا زمانی رنجبر گرمرودی<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری رشته تاریخ اسلام

دانشگاه پیام نور واحد قشم

#### چکیده

از آنجا که شیعیان جزء مهم‌ترین اقلیت‌ها در میان مسلمانان به حساب می‌آیند، در طول تاریخ، خود را به گونه‌های مختلف، در مسایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مطرح کرده و در برخی از برهه‌های زمانی، جریان‌های سیاسی و فرهنگی مهمی را ایجاد کرده‌اند، بنابراین، شناخت شخصیت‌های سیاسی و موثر شیعی به خصوص وزیران، ضروری به نظر می‌رسد. اگرچه حاکمیت سلجوقی، حامی قطعی تسنن بوده است، اما به طور کلی سیاست مذهبی سلجوقیان را باید همراه با تسامح دانست. این اصل کلی را می‌توان از مطالعه اقدامات سلاطین سلجوقی در مورد احترام به ائمه شیعه (ع) و عدم اتخاذ سیاست‌های خشن نسبت به شیعیان و نیز اعطای مناصب حساس حکومتی به ویژه وزارت به شیعیان، دریافت. کارایی شیعیان در امور دبیری و وزارت به رغم فشارهای زیاد مخالفان، نه تنها موجب خاموشی تشیع نشد، بلکه رشد و گسترش آن را نیز به همراه آورد. وزارت افراد شیعی مذهب در حکومت‌های عباسیان و سلجوقیان مانند ابوالمعالی هبه‌الله بغدادی، انوشروان کاشانی، ابوالقاسم

<sup>1</sup> - Baghestani @ rctac. com

<sup>2</sup> - sara .zamani2011@yahoo .com

با ورود ترکان به دستگاه خلافت، تزلزل این نهاد، آغاز، باعث تحولی عظیم در نظام اداری و سیاسی دستگاه خلافت به معنی نابسامانی و فساد شد، پس از آنکه خلفای عباسی برای تأمین مخارج و پرداختن به عیش و نوش و خوشگذرانی با مشکل روبرو شدند مجبورگشتند برای تأمین این مخارج به امیران ترک خود باج دهند و مناصب دولت را به آنان بفروشند و از آن پس امیران ترک جز اندوختن ثروت و چپاول مردم کار دیگری نمی کردند و به دنبال آن، قدرت خلفای عباسی محدود می شد تمام این اقدامات و بی کفایتی خلفا دست به دست هم داد تا در زمان خلیفه مستعصم، هولاکوخان مغول به نزدیک بغداد بیاید و بعد از تصرف بغداد در سال (۶۵۶هـ.ق) کشته شدن مستعصم، دولت عباسیان برای همیشه منقرض شود.

#### فرضیات

۱- موقعیت ممتاز و تلاش‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی اهل بیت پیامبر(ص) موجب شد تا برخی از شیعیان واقعی و برخی از آنها که به ظاهر(و) به منظور رسیدن به منافع سیاسی، اظهار تشیع می کردند به موقعیت و مناصب بالای دولتی همچون منصب وزارت برسند.

۲- در دولت عباسیان، برخی از افراد شیعی که دارای تدبیر سیاسی، قدرت و قابلیت لازم در امور دولتی بودند به دربار راه یافتند و موقعیت و صلاحیت‌های علمی و اجتماعی آنان به گونه‌ای بود که توانستند به مقامات بالای اداری و دیوانی همچون وزارت، نایل گردند. گرایش‌های مذهبی آنان طبعاً بر این امر موثر بوده و نقش تعیین کننده‌ای داشت.

۳- با وجود آنکه خلفای عباسی مذهب تسنن داشتند اما برخی از آنها دارای تمایلات شیعی بودند و به این منظور بیشتر افرادی را که شیعه و یا دارای گرایش‌های شیعی بودند به منصب وزارت انتخاب می کرد. خلیفه الناصر از جمله خلفایی بود که دارای گرایش‌های شیعی بود. این خلیفه، اقدامات مهمی را در زمان خود به نفع شیعیان

Therefore, it is necessary to know the effective and political characters that are pertaining to Shiites, specially the ministers. Although the Seljuks have been the assertive advocators of Sunnism, in general the religious politics of the Seljuks have been accompanied with negligence. This general principle can be achieved through studying of the actions of the Seljuk's sultans in regard to the respect to the Imams of the Shiite religion (peace be upon him) and non adoption of harsh politics for Shiites as well as investiture with an important office to the Shiites, specially ministry. The efficiency of Shiites in the secretaryship and ministry, in spite of the hard pressure of the adversaries, not only didn't the annihilate Shiism but also caused its development. The ministry of Shiites in the Seljuks and the Abbassid -such as Abolma`ali Hobbato`lah Baghdadi, Anoshervan Kashani, Abolghasem Sharafel`din Ala Taradel Zeinabi el Hashemi - smoothens the way for permeating to durbar and devepment of Shiism.

This study tries to elucidate some parts of the political history of Shiism and introduce the Powerful ministers of Shiah from the caliphate period of Al Ghaem Be Amrel`lah to Al Naserel Din Allah Abbassi (422-575A.D). It tries answering these questions as far as possible: 1. how could the ministers who were pertaining to Shiites enter the Abbassid caliphate and permeate the high offices and express their Shiism directly and indirectly? 2. How could the political ability of Shiah affect the creating of appropriate ground for their official activities? 3. How was the tendency of some Abbassid`s caliphs to Shiism (directly or indirectly) affective in the official presence of the Shiah ministers?

**Keywords:** the Fourth Epoch of Abbassid Caliphate, Powerful Ministers of Shiah, Abolma`Ali Hobbato`lah Baghdadi, Anoshervan Kashani, Abolghasem Sharafel`din Ala Taradel Zeinabi el Hashemi

#### مقدمه

وزارت در دوره چهارم عباسیان از دوران سلجوقیان آغاز و تا پایان سقوط بغداد (۴۴۷-۶۵۶ هـ.ق) را شامل می شود. ویژگی این دوره، انتقال قدرت واقعی به سلاجقه ترک می باشد.

افزایش نهاد. اما این احیای قدرت به دلیل حمله مغول دیری نپایید و در سال (۶۵۶ هـ.ق) سپاهیان هلاکوخان، المستعصم بالله، آخرین خلیفه عباسی را کشتند. (لمبتون، ۱۳۶۸: ۵۶) وزارت خلفا که از عهد امیرالامرایی به زوال رفته و در عهد آل‌بویه به کلی کارایی خود را از دست داده بود، در عهد سلجوقیان دوباره رونق گرفت و خلیفه اجازه یافت برای خود وزیری انتخاب کند و آنگاه که از عملکردش ناراضی گردید او را عزل کند. البته با توجه به این که برقراری رابطه بین خلیفه و سلطان توسط وزیران آنها انجام می‌شد، سلاطین سلجوقی سعی می‌کردند در انتخاب وزیر خلیفه دخالت کنند تا از این طریق، اعمال خلیفه را کنترل کنند. در این دوره، وزیر خلیفه دارای نوعی قدرت قضایی در بغداد شد و هر از چندی، در مقر خویش به مظالم می‌نشست و قدرتش با قدرت وزیر سلطان سلجوقی برابری می‌کرد.

(کسانی، ۱۳۶۳: ۱۲۷)

وزیران سلجوقی نسبت به دوره‌های پیشین از قدرت بیشتری برخوردار بودند. وزیر، محور دستگاه حکومتی و نایب سلطان بود و تمامی جنبه‌های تشکیلاتی کشوری را بر عهده داشت. وظیفه وزیر، حفظ اوضاع مساعد مالی دولت و نگهداری پول برای مواقع اضطراری و نیز وظایف نظامی همچون گماردن و به کارگیری سپاهیان و نظارت بر امور قضایی و مذهبی نیز بر عهده وزیر بود. همچنین در ایام تشریفات، وزیر به عنوان نماینده‌ی سلطان، نقش مهمی را ایفا می‌کرد. وزیر، از سوی سلطان و به نام او سوگند وفاداری نسبت به خلیفه جدید یاد می‌کرد. وی در مواقع پیوند زناشویی میان اعضای مختلف خاندان سلطان و خاندان خلیفه به عنوان واسطه نقش موثری داشت. همین مسأله، گاه باعث ایجاد چالش میان عباسیان و سلاجقه می‌شد. (کلوزنر، ۱۳۶۳: ۴۷)

از جمله افراد شیعی مذهب در حکومت‌های عباسیان و سلجوقیان، وزیران بودند. در دوره مورد بحث این مقاله،

انجام داده است. همچنین در عصر این خلیفه، آیین فتوت به بغداد راه یافت و خلیفه، نیز لباس فتوت پوشید و بدین شکل این آیین رسمیت یافت.

چگونگی خلافت و نقش وزیر در دوره سلجوقیان علت ورود سلجوقیان به بغداد نمی‌تواند فقط تقاضای خلیفه عباسی باشد. این مسئله، معلول عوامل متعددی بود که در کنارهم، زمینه‌های حمله و حضور سلجوقیان در بغداد را پدید آورد. در این زمان یعنی پیش از نیمه دوم قرن پنجم هجری قمری، بغداد در وضعیتی بحرانی قرار داشت. دولت آل‌بویه ضعیف شده بود و اختلافات داخلی، آنها را سخت پریشان ساخته بود. پس از مرگ ابوالکالیجار، برای کسب قدرت میان فرزندان او اختلاف ایجاد شد و در این میان ملک رحیم آخرین حاکم آل‌بویه به قدرت رسید.

خلفای عباسی به علت فرصتی که به خاطر ضعف امرای بویهی (رقابت و کشمکش شاهزادگان بر سر قدرت) ایجاد شده بود، توانستند بر قدرت خود بیفزایند. آنها حاضر نبودند جای امرای ضعیف بویهی را حکام تازه نفس سلجوقی بگیرند. اما آنگاه که با شورش بساسیری (۴۴۸ هـ.ق) مواجه شدند حضور طغرل را به جان خریدند. ورود سلجوقیان به بغداد که به سقوط حکومت آل‌بویه شیعه مذهب منجر شد، سبب برافتادن شیعه‌گری در قلمروی خلافت عباسی شد. این اقدام، موفقیت بزرگی برای جهان تسنن محسوب می‌شد. با ظهور سلجوقیان، خلفای عباسی مانند خلفای دوره‌های قبل که به دلخواه امرا عزل و نصب می‌شدند، برکنار نمی‌شدند. (باسورث... [و دیگران]، ۱۳۸۱: ۱۲۹)

سلجوقیان با آن که از نقطه نظر مذهبی مانند عباسیان از معتقدان به مذهب اهل سنت بودند اما اجازه ندادند، خلفا قدرت سیاسی خود را از نو به دست آورند، زیرا این کار را به زیان حکومت تازه تاسیس شده خویش می‌دیدند. تنها در قرن ششم هجری وقتی یکپارچگی خاندان سلجوقیان از هم پاشید، قدرت خلافت عباسی تحت حکمرانی خلفایی چون المقتفی بالله و الناصر رو به

در مورد اعتقادات این وزیر، خواندمیر در کتاب دستور *الوزراء* آورده که در *جامع التواریخ* ذکر شده است: «ولی-الدوله به مذهب تشیع و رفض متهم بود. بنابراین سلطان محمد بن ملکشاه او را به جرم رافضی به وزارت خلیفه عباسی نپذیرفت و خلیفه المستظهر نیز به ناچار او را از وزارت عزل کرد.» (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۹۱؛ عقیلی، ۱۳۳۷:

۱۴۳؛ کرمانی، بی تا: ۳۱؛ الصدر، ۱۳۳۱: ۱۲۵)

لازم به ذکر است در میان منابع یاد شده (دستور الوزراء، خواندمیر، آثار الوزراء، عقیلی و نسائم الاسحار، منشی کرمانی) فقط خواندمیر در کتاب *دستور الوزراء* به مسئله تشیع هبه الله بن مطلب اشاره کرده است. البته در *دائرة المعارف تشیع* نیز به شیعی بودن وی اشاره شده است. ابن طقطقی، در *تاریخ فخری*، هندوشاه نخبجوانی در *تجارب السلف*، ابن اثیر در *الکامل فی التاریخ*، سید حسن صدر در *الشیعه و الفنون الاسلام*، شیعه بودن این وزیر را تایید کرده اند.

انوشروان بن خالد بن محمد الکاشانی، شرف الدین

شرف الدین (شرف الدوله) انوشروان (انوشیروان) بن خالد بن محمد بن القاسمی (کاشانی)، از سال (۵۲۱ هـ ق) وزارت سلطان محمود سلجوقی و از سال (۵۲۸ تا ۵۳۰ هـ ق) وزارت سلطان محمود بن محمد بن ملکشاه و مسعود بن محمد سلجوقی را بر عهده داشت. (یعقوبی، ۱۳۸۵: ۹۸؛ صاحبی نخبجوانی، ۱۳۱۳: ۳۰۱؛ عقیلی، ۱۳۳۷: ۲۵۹) شرف الدین اهل کاشان و از بزرگان و افاضل روزگار خود بود. وی مردی بزرگ و صاحب اندیشه بود. زمانی میان این وزیر و ابوالقاسم زینبی، دشمنی و اختلاف افتاد که زینبی معزول شد و انوشیروان خالد با اقتدار به وزارت رسید مردم به او تقرب می-جستند و زینبی را بد می گفتند اما شاعری، بر انوشیروان بن خالد وارد شد و این بیت را خواند:

شُكْرًا لِذَهْرِي بِالضَّمِيرِ وَالضَّمِّ

لِمَا أَعْضَى بِمُنْعَمٍ عَنِ مُنْعَمٍ

به زندگی، اقدامات مهم سه وزیر: ابوالمعالی هبه الله بغدادی، انوشروان کاشانی، ابوالقاسم شرف الدین علی طراد الزینبی الهاشمی، و چگونگی نفوذ آنها در دربار دو حکومت یاد شده، پرداخته می شود.

ابو المعالی هبه الله بن محمد بن المطلب، مجد الدین زعیم الروسا

ابوالمعالی هبه الله بن محمد بن مطلب بغدادی، مجد الدین زعیم الروسا، وزارت دو نفر از خلفای عباسی و یک تن از سلاطین سلجوقی (المقتدی و مستظهر بالله و محمد بن ملکشاه سلجوقی) را بر عهده داشت. (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۹۱-۹۲؛ جواهرکلام، ۱۳۰۷، ج ۴: ۳۶-۳۷)

تاریخ تولد و وفات این وزیر در منابع معلوم نشده است. ابوالمعالی از طرف خلیفه مستظهر ملقب به ولی الدوله (ولی الدین) شد. (عقیلی، ۱۳۳۷: ۱۴۳) وی یکی از با کفایت ترین وزیران دولت عباسی بود. از جمله اختیارات وی پیش از عهده دار شدن منصب وزارت، متصدی دیوان مالی کشور بود و از عهد خلیفه المهدی به کارهای دیوانی اشتغال داشت. او مردی کاردان و اهل ادب بود و خطی خوش داشت تا اینکه المستظهر به او منصب وزارت داد. (موسوی قمی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۵۸)

وزیر هبه الله بن محمد بن مطلب، در نتیجه فعالیتش در دیوان های مختلف از کفایت خود بهره فراوانی برد و آخرین منصب وی قبل از وزارتش، دیوان زمام بود. از مهمترین اقدامات این وزیر در طول وزارتش، بهبود مشکلات مالی دولت از طریق اصلاح زمین های زراعی بود. (الزهرانی، ۱۴۰۶: ۱۷۶ و ۱۸۲)

ابن جوزی در *المتنظم* نام این وزیر را «ابوالمعالی الاصفهانی» می آورد. وی می نویسد: «در ۱۴ رمضان سال (۴۹۵ هـ ق) المستظهر، ابوالمعالی اصفهانی را وزیر خود کرد و او را در رجب سال (۴۹۶ هـ ق) عزل و به مدت یازده ماه حبس کرد و سپس وی را آزاد نمود.» (ابن جوزی، بی تا: ۷۶)

طقطقی، ۱۸۹۴م: ۴۱۱) درباره اعتقادات وی در منابع تاریخی سخنی به میان نیامده اما احتمال قوی آن است که چون منصب «نقیب النقباء» را بر عهده داشته، شیعه مذهب بوده است.

هنگامی که وزیر جلال الدین در سال (۵۲۲ هـ ق) وفات کرد، شرف الدین به عنوان نائب وزیر انتخاب شد و بعد از مدتی کوتاه خلیفه المسترشد او را از این منصب خلع و به وزارت گماشت. ابن طباطبا ذکر می‌کند؛ خلیفه المسترشد بالله هنگامی که شرف الدین وزیر شد گفت: «هر چیزی که به وزارت برگردد شرف است مگر اینکه وزارت به تو مشرف شده است.» خانواده زینبی، در مقام رهبری علویان «نقیب النقباء» سرآمد بودند و اعضای مختلف این خاندان، شغل قضاوت و وزارت داشتند. (کلوزنر، ۱۳۶۳: ۱۴۸)

ابوالقاسم الزینبی منصب نایب وزارت را در سال (۵۱۶ هـ ق) هم زمان با وزارت احمد بن نظام الملک وزیر خلیفه المسترشد بالله به عهده گرفت و علاوه بر آن نیز منصب «نقیب النقباء» را بر عهده داشت. (الزکلی، ۱۹۹۰، ج ۳: ۲۲۵) وی همواره در مجلس وزیر حضور داشت و امر و نهی می‌کرد.

لازم به ذکر است پس از درگذشت انوشیروان خالد به سال (۵۳۲ هـ ق)، الزینبی برای بار دوم به وزارت رسید. (آیت اللهی بافقی، ۱۳۸۳: ۱۳۹) خلیفه در سال (۵۲۶ هـ ق)، وزیرش شرف الدین را خلع کرد و امر به تخریب خانه‌اش داد و سیصد هزار دینار و به گفته برخی از مورخان صد هزار دینار از او مطالبه کرد. مورخان در مورد علت عزل وزیر اشاره‌ای نکرده‌اند. سپس شرف الدین الزینبی در سال (۵۲۸ هـ ق) دوباره به وزارت برگشت. (الزهرانی، ۱۴۰۶: ۱۵۶)

از جمله اقدامات این وزیر آن بود که در جنگ مسترشد با سلطان مسعود، الزینبی همراه خلیفه بود. (ظاهر، ۱۴۲۲ هـ ق / ۲۰۰۲م، ج ۱: ۳۲۴) پس از آنکه المسترشد کشته شد، پسرش راشد را در بغداد به خلافت رساندند اما نظر سلطان مسعود بر المقتفی بود و سعی بسیار کرد تا

«روزگار را با زیان و قلب سپاس می‌گویم که منعمی را بجای منعمی دیگر بر ما انتخاب کرد.» (موسوی قمی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۵۹-۱۶۰)

نخجوانی در تجارب السلف به نقل از ابن اثیر مورخ نوشته است: «میان انوشیروان بن خالد و ابوالقاسم زینبی، رقابت و مبارزه بود و هر از چندی یکی از آن دو به وزارت منصوب می‌شدند. انوشیروان خالد، قصد استعفا از وزارت را داشت اما سلطان نپذیرفت و او به کراهت تمام، وزارت را پذیرفت.» (صاحبی نخجوانی، ۱۳۱۳: ۳۰۱) در مورد شیعه بودن وی تردیدی نیست. او از جمله شیعیانی بود که توانست به مقام وزارت دست یابد. (یعقوبی، ۱۳۸۵: ۹۸) همچنین سید حسن صدر در کتاب الشیعه و الفنون الاسلام به نقل از تاریخ ابن کثیر می‌نویسد: «این وزیر، شیعه بوده است.» (الصدر، ۱۳۳۱: ۱۲۶)

از مهم‌ترین اقدامات انوشیروان کاشانی آن بود که مدرسه-ای در کاشان ساخت و املاک بسیار وقف و کتاب‌های بسیاری به آن مدرسه هدیه کرد. انوشیروان خالد در رمضان سال (۵۳۲ هـ ق) درگذشت. (ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۴۱۵؛ زامباور، ۱۳۵۶: ۱۰) و الزینبی برای بار دیگر به وزارت رسید.

ابوالقاسم شرف الدین علی طراد الزینبی الهاشمی

ابوالقاسم شرف الدین علی بن النقیب ابی‌الفوارس طراد بن محمد بن علی الزینبی الهاشمی. راوی، نقیب النقبای بغداد. وی وزارت دو تن از خلفای عباسی و یک تن از سلاطین سلجوقی (وزیر المسترشد و المقتفی لامرالله و سلطان مسعود سلجوقی) را با هم بر عهده داشت. (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۹۲؛ عمرانی، ۱۳۶۳: ۱۸۹) تاریخ ولادت او در سال (۴۶۲ هـ ق) است. وی نخستین فرد از هاشمیان بود که به وزارت در دستگاه عباسیان دست یافت. (ابن اثیر، ۱۳۸۵ هـ ق، ۱۰: ۶۵۳)

ابن طراد از اعقاب ابراهیم امام بود که زینب، دختر سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس را به زنی داشت و از همین رو فرزندان وی به زینبی، شهرت یافتند. (سمعانی، ۱۳۸۶ هـ ق/ ۱۹۶۶م، ۶: ۳۷۱-۳۷۲)؛ ابن

رجب سال (۵۴۴هـ.ق) آن را به مقبره خاص او در حریبه منتقل کردند. (ابن جوزی، ۱۳۵۸هـ.ق/۱۹۳۹م، ۱۰: ۱۰۹) نتیجه گیری

وزارت شیعیان در عصر چهارم عباسی از دوران سلجوقیان، آغاز و تا پایان خلافت الناصر عباسی (۴۴۷-۵۷۵هـ.ق) در بر می‌گیرد. اما آنچه در این نوشتار مورد بحث بود، وضعیت و موقعیت وزیران شیعه از دوران خلافت القائم بامرالله تا الناصرالدین الله عباسی (۴۲۲-۵۷۵هـ.ق) است.

قدرت خلفا که از دوران امیرالامرای رو به زوال رفته بود و در عهد آل بویه به کلی کارآیی خود را از دست داده بود، در دوره سلجوقیان دوباره رونق گرفت و خلیفه اجازه یافت برای خود وزیر انتخاب کند. در این دوره وزیر خلیفه دارای نوعی قدرت قضایی در بغداد شد و و قدرتش با قدرت سلطان برابری می‌کرد. در این دوره، اگرچه حاکمیت سلجوقی، حامی تسنن بوده است اما در دوران ملکشاه سلجوقی، شیعیان به سوی تجدید قوا پیش رفتند و این امر، نتیجه اهمیت سلطان سلجوقی نسبت به تشیع و شعائر آن و همچنین اختلاف سلطان با خلیفه عباسی بود که حتی ملکشاه درصدد انتقال خلافت به نوه دخترتری خودش بود که فرزند خلیفه محسوب می‌شد. نفوذ برخی امراء و بزرگان در دستگاه خلافت و سلطنت که خود شیعه و یا حامی شیعیان بودند، زمینه رشد شیعیان را فراهم کرد. دوران پس از مرگ ملکشاه نیز دوران نفوذ شیعیان در دستگاه خلافت و کسب قدرت سیاسی بود. ظهور وزیران و امیران شیعه در حکومت و همچنین تجدید قوا در عرصه علمی برای شیعیان، از ویژگی‌های این دوره است.

نکته لازم به ذکر این است که، شیعیان در طول تاریخ، به ویژه در دوره خلافت عباسیان، موقعیت و شایستگی خود را درک کرده و با پیروی از ائمه اطهار(ع)، نقش تعیین کننده‌ای در اداره حکومت پیدا کردند؛ به گونه‌ای که بیشتر وزیران، از میان شیعیان برگزیده می‌شدند و عمدتاً مناصب سیاسی، در اختیار آن‌ها بود. البته این امر

راشد را خلع و المقتفی را به خلافت نشانندند. هنگامی که به بغداد وارد شدند، سلطان مسعود برای المقتفی لامرالله بیعت گرفت و با زینبی بحث و گفت‌وگو کرد تا اینکه خلیفه المقتفی دوباره وزارت یافت اما چندی بعد، میان ایشان کدورت پیش آمد و ابوالقاسم (زینبی) به نزد سلطان مسعود پناه برد. (آیت اللهی بافقی، ۱۳۸۳: ۱۳۶-۱۴۰) هنگامی که محمد بن مستظهر بالله در سال (۵۳۰هـ.ق) به خلافت رسید و ملقب به المقتفی لامرالله شد، شرف الدین را به وزارت گماشت. خلیفه، بهره‌ی زیادی از وزارت وی برد و چون نمی‌توانست درباره اموری از خلافت، نظر دهد با وزیر خود در آن موضوع مشورت می‌کرد. از گسترش نفوذ وی این بود که وقتی خلیفه بعضی از کارگزاران را بدون رای وزیر در سال (۵۳۴هـ.ق) به کار گماشت، وزیر آن‌ها را از کار کردن منع نمود تا اینکه خلیفه با وی صلح کرد. زمانی که دخالت وزیر در امور خلیفه افزایش یافت، خلیفه دیگر توانایی عزل او را نداشت تا اینکه سلطان مسعود سلجوقی از تصرفات وزیر شکایت کرد و سلطان فرمان داد تا وزیر را عزل شود.

ابن طراد، گذشته از فعالیت‌های سیاسی، از جمله راویان عصر خود به شمار می‌رفته است. وی از پدرش، طرادبن محمد، و عموهایش ابونصر و ابوطالب و چند تن دیگر حدیث شنید و روایت کرد. (سمعی، ۱۳۸۶هـ.ق/۱۹۶۶م، ۶: ۳۷۲؛ ابن جوزی، ۱۳۵۸هـ.ق/۱۹۳۹م، ۱۰: ۱۰۹) و از ابوجعفر بن مسلم، اجازه روایت گرفت و کسانی چون ابواحمد ابن سکینه و ابوالقاسم ابن عساکر (ذهبی، ۱۴۰۶هـ.ق/۱۹۸۶م، ۲۰: ۱۵۰) و سمعی از او روایت کرده‌اند. (سمعی، همان) ابن طراد، فقیهی ماهر در مذهب امام ابوحنیفه بود. بعد از عزل او از منصب وزارت، خانه نشینی را اختیار کرد. وی در سال (۵۳۸هـ.ق) وفات یافت. (الزهرانی، ۱۴۰۶: ۱۵۸) پیکر او را در خانه‌اش در باب المراتب (باب الازج) (ابن اثیر، ۱۳۸۵هـ.ق، ۱۱: ۹۷) به خاک سپردند و سپس در

حاجی بن نظام عقیلی، سیف الدین. (۱۳۳۷). آثارالوزراء، به تصحیح و تعلیق میر جلال الدین حسینی ارموی «محدث»، تهران: بی‌نا.

خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین. (۱۳۵۵). دستورالوزراء، تهران: اقبال.

رجب نیا، مسعود. (۱۳۵۸). عصر زرین فرهنگ ایران، تهران: سروش.

زامبور، ادوارد ریتر فون. (۱۳۵۶). نسب نامه خلفا و شهریاران و سیر تاریخی حوادث اسلام، بی‌جا: کتابفروشی خیام.

سمعانی، عبدالکریم بن محمد. (۱۳۸۶هـ ق/ ۱۹۶۶م). الانساب، هند: حیدرآباد دکن.

صاحبی نخجوانی، هندوشاه بن سنجر بن عبدالله. (۱۳۱۳). تجارب السلف در تواریخ خلفا و وزرای ایشان، به تصحیح و اهتمام، عباس اقبال، مطبعه فردین، تهران: بی‌نا. ظاهر، سلیمان. (۱۴۲۲هـ ق/ ۲۰۰۲م). تاریخ الشیعه، سیاسی، الثقافی، الدینی، حقه و ضبطه عبدالله سلیمان ظاهر، ج ۱، بیروت-لبنان: منشورات موسسه الاعلمی للمطبوعات.

عمرانی، محمد بن علی بن محمد. (۱۳۶۳). الانباء فی تاریخ الخلفاء، بی‌جا: دفتر نشر کتاب.

کسائی، نورالله. (۱۳۶۳). مدارس و نظامیه و تأثیرات اجتماعی آن، تهران: امیرکبیر. کلوزنر، کارلا. (۱۳۶۳). دیوانسالاری در عهد سلجوقی، تهران: امیرکبیر.

لمبتون، آن.ک.س. (۱۳۶۸). سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران: امیرکبیر.

. منشی کرمانی، ناصرالدین. (بی‌تا). نسائم الاسحار من لطائم الاخبار، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

موسوی قمی، سیدعلی. (۱۳۶۵). اسلام و نهضت‌های اسلامی، از آغاز تا امروز، ج ۱، بی‌جا: بنیاد نبوت.

یعقوبی، محمدطاهر. (۱۳۸۵). شیعیان بغداد: وضعیت سیاسی و اجتماعی از ورود سلجوقیان تا سقوط عباسیان، با اهتمام موسسه شیعه شناسی، قم: شیعه شناسی.

بیش از هر چیز، مرهون عقاید مذهبی (گرایشهای شیعی) خلفای عباسی بود. آنها(خلفا) سعی نمودند تعاملات خوبی با شیعیان برقرار کرده و بدین منظور هم، دست به اقداماتی برای جلب و حمایت آنها زدند. از جمله آنکه مناصب مهم سیاسی مانند وزارت را در اختیار آنها قرار دادند.

## منابع

. آیت اللهی بافقی، عباس. (۱۳۸۳). وزارت در آینه تاریخ، یزد: نیکو روش

ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۳۸۵هـ ق)، الكامل فی التاریخ، ج ۱۰ و ۱۱، بیروت: دارصادر.

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۳۵۸هـ ق/ ۱۹۳۹م). المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، ج ۱۰، هند: حیدرآباد دکن.

----- (بی‌تا). المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، به اهتمام محمدعبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا. (۱۳۶۰). الفخری فی الآداب السلطانیه و الدول الاسلامیه، بی‌جا: منشورات الشریف الرضی، الطبعة الاولى فی ایران.

----- (۱۸۹۴م). الفخری فی الآداب السلطانیه و الدول الاسلامیه، پاریس: به کوشش هارتویک درنبرگ.

الزرکلی، خیرالدین. (۱۹۹۰). الاعلام قاموس تراجم لاشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، ج ۳، بیروت- لبنان: دار العلم للملایین.

الزهرانی، محمدمسفر. (۱۴۰۶). نظام الوزاره فی الدوله العباسیه، بیروت: موسسه الرساله.

الصدر، السیدحسن. (۱۳۳۱). الشیعه و الفنون الاسلام، صیدا: مطبعه العرفان.

باسورث، سی. ای [و دیگران]. (۱۳۸۱). تاریخ ایران، تهران: امیرکبیر.

جواهرکلام، عبدالعزیز. (۱۳۰۷). آثار الشیعه الامامیه، ترجمه علی جواهر کلام، ج ۴، بی‌جا: وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه.